

گزارشی از کتاب ترس که تصویری جدید از نابسامانی‌های آمریکا ارائه می‌دهد

خوشه‌های ترس



عاطفه جعفری روزنامه‌نگار

ترامپ نقشه‌های وحشتناکی در سر دارد، قفسدش این است که خیلی‌ها را از سر راهش بردارد. اما باید همگان را از نقشه‌های شومش مطلع کرد تا بدانند هر کاری نمی‌تواند انجام بدهد. «این جملات خبرنگاری است که سال‌ها عمرش را گذاشته تا به قول خودش مردم را از همه اتفاقاتی که در کاخ سفید می‌افتد، مطلع کند. او از روابط روسای جمهور و همه زدو بندهایی که در طول ریاست جمهوری‌شان انجام می‌دهند، مطلع است و تلاش می‌کند نقطه تاریکی در روایتش باقی نماند. گزارش امروز به کتاب «ترس» ترامپ در کاخ سفید» نوشته باب وودوارد اختصاص دارد. کتابی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۸ منتشر شد. کتابی که رهبر انقلاب در جلسه سه‌شنبه که با مردم به صورت زنده و مستقیم صحبت کردند، به آن اشاره داشتند و گفتند: «آمریکا به شدت دچار انحطاط است. این حرف خود نویسندگان داخل آمریکا است. در این سال‌ها چند کتاب نوشته‌اند که پرده‌ها را بالای می‌زند؛ یکی از این کتاب‌ها که به فارسی ترجمه شده، خواندم؛ پر از شواهد انحطاط آمریکا است؛ تمام کتاب‌ها نشان‌دهنده انحطاط نظام سیاسی آمریکا با حرکات رئیس‌جمهور آمریکا است.» در گزارش امروز به بخش‌های مهم و کلیدی این کتاب اشاره می‌کنیم و همچنین نگاهی داریم به صحبت‌های این خبرنگار که چرا این کتاب را نوشته است.

نقاط تاریک انتخاب اشتباه

این روزها که بحث انتخابات آمریکا داغ است، بد نیست اشاره‌ای داشته باشیم به انتخابات ۲۰۱۶ و زمانی که برای اولین بار ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد. در بخش‌های ابتدایی کتاب «ترس» ترامپ در کاخ سفید، نگرانی بخش مهمی از نویسندگان و نخبگان سیاسی آمریکا در پی روی کار آمدن فردی همچون ترامپ اشاره می‌شود و این رانشانه‌ای از لرنه‌های بزرگی در نظام سیاسی آمریکا می‌داند. در فصل اول این کتاب وودوارد به زمانی اشاره می‌کند که ترامپ گزینه جمهوری خواهان شده است و می‌گوید: «تقریباً اطمینان داریم که اگر اوضاع با این روند دیوانه‌وار به هم آشفته‌ای که به پیش رفت، انجام نمی‌شد، اکنون اوضاع دنیا به گونه دیگری بود. دونالد ترامپ ۲۱ جولای ۲۰۱۶ رسماً نامزدی حزب جمهوری خواه را پذیرفت. روند اعلام پذیرش نامزدی او در باامداد روز شنبه سیزدهم آگوست ۲۰۱۶ دچار یک تحول اساسی شد. تصویر زشتی از ترامپ در رسانه‌ها ارائه شده بود و همه می‌دانستند که این تصویر درست است. در انتخابات آمریکا و به خصوص حزب جمهوری خواه پول حرف اول را می‌زند. مرسره‌ها ابتدا کمی با حزب مشکل داشتند ولی در نهایت با حزب به توافق رسیدند و پول‌های آنها به سمت حزب سرازیر شد. آنها همچنین صاحب قسمتی از سهام بریت‌بارت بودند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دادند که تنها ۷۰ درصد از جمهوری خواهان از ترامپ حمایت می‌کردند. آنها به رقم ۹۰ درصد نیاز داشتند. بنابراین لازم بود که حزب حمایت خود را از ترامپ تقویت کند. پریوس و والش رئیس ستاد کمیته ملی حزب جمهوری خواه، بانک اطلاعاتی کاملی از تمام رای‌دهندگان واجد شرایط در سراسر کشور را در اختیار داشتند. بنی می‌خواست مطمئن شود کمیته ملی حزب، ترامپ را رها نخواهد کرد. شایعاتی منتشر شده بود مبنی بر اینکه بعضی حامیان مالی کنار کشیده‌اند و همه می‌خواهند به نحوی خود را از کثافت کاری‌های ترامپ کنار بکشند.

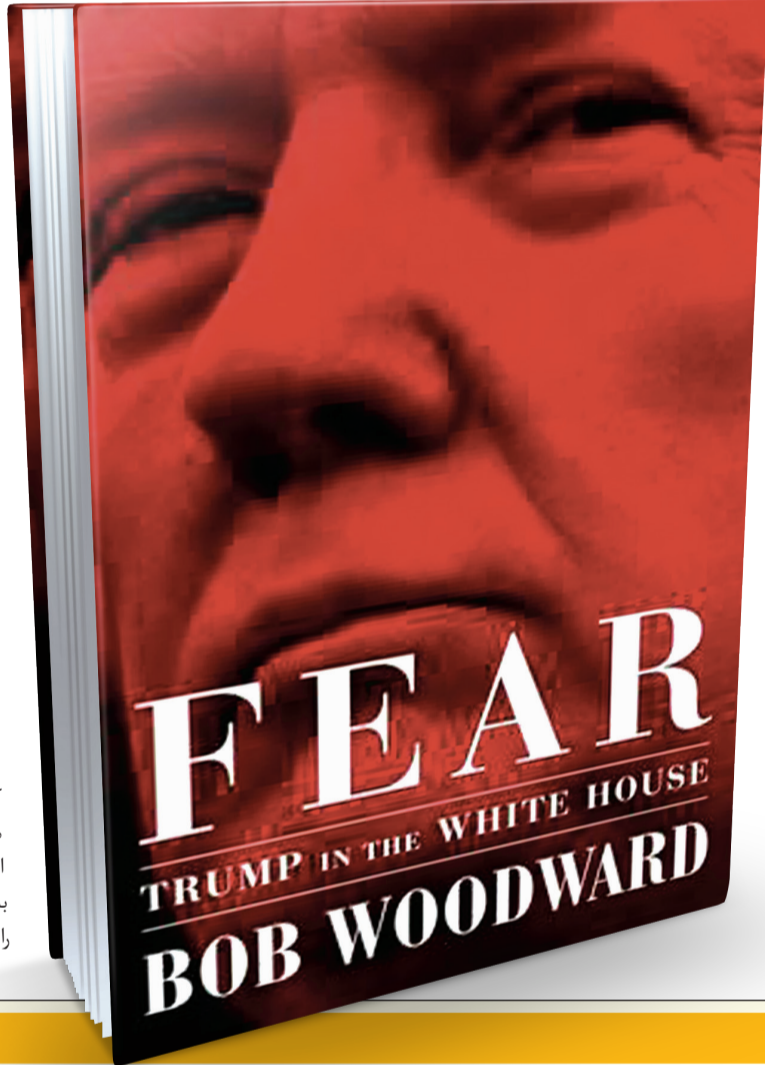
برای فرار از اتهام تقلب، چطور حواس‌ها را پرت کردند؟

معمولاً در انتخابات‌ها بحث تقلب وجود دارد و حرف از این مساله می‌شود و در طرف انتخابات‌ها به این موضوع اشاره می‌کنند اما ترامپ وقتی با این مساله مواجه می‌شود راه دیگری را انتخاب می‌کند تا سرپوشی بر همه اتهاماتش در مورد تقلب در انتخابات باشد. وودوارد در بخشی از کتابش به نقش روس‌ها در انتخابات ۲۰۱۶ اشاره کرده و در این باره می‌گوید: «نشانه‌های مداخله روس‌ها با آن گونه که آژانس امنیت ملی آن را «مداخله دیجیتال» می‌نامد، برای اولین بار در رایانه‌های نهادهای نظارت بر انتخابات که مسئول نام‌نویسی رای‌دهندگان در تابستان ۲۰۱۵ بود، این مداخله را تایید می‌کرد، در ایلی نوبی کشف شد و بعد به سراسر کشور گسترش یافت و به ۲۱ ایالت رسید. در همان زمان که آژانس امنیت ملی و FBI در حال گردآوری اطلاعات بودند، مدیر امنیت ملی جیمز کلپر نگران بود که روس‌ها ممکن است از اطلاعات درجده شده برای دستکاری یا تغییر نتیجه انتخابات استفاده کنند. او با خود می‌اندیشید آیا فقط روس‌ها مقصر بودند. روس‌ها همیشه در دسترس‌ساز بوده‌اند. در جولای ۲۰۱۶، ویکی لیکس و دی‌سی لیکس که سایتی برای انتشار اطلاعات هک‌شده از دستگاه‌های دولتی و نظامی بود، شروع به انتشار ایمیل‌هایی کردند که حکم‌های روس از سرور کمیته ملی حزب دموکرات روده بودند. این حکم‌ها خود را «خرس خوش اخلاق» یا «خرس بانمک» می‌خواندند. اطلاعات به دست آمده درباره مداخله روس‌ها باعث نگرانی شدید شورای امنیت ملی اوپاما شد. با گذشت زمان اطلاعات دقیق‌تر و مستندتری به دست آمد. دستگاه اطلاعاتی آمریکا اطمینان دارد دولت روسیه در هک اخیر ایمیل‌های اشخاص و نهادهای آمریکایی دست داشته است. این دزدی‌ها و افشای محتواهای ایمیل‌ها به قصد تاثیر بر نتیجه‌نهایی انتخابات آمریکا صورت گرفته است. مقامات ارشد روسیه همان کسانی هستند که می‌توانستند فرمان آغاز چنین عملیاتی را صادر کرده باشند. کلپر، جانسون و کمپین کلیتون انتظار داشتند که این داغ‌ترین خبر آخر هفته باشد. خبرنگاران نیز این گونه می‌اندیشیدند و در همان زمان به گزارش این رویداد پرداختند. اما یک ساعت بعد در ساعت ۵:۴۰ دقیقه بعد از ظهر واشنگتن پست مقاله‌ای درباره ترامپ منتشر کرد که عنوان آن این بود: «ترامپ در سال ۲۰۰۵ اظهاراتی شدیدا جنسی و تحریک‌آمیز درباره زنان بر زبان آورده است.»

نوار اکسس هالیوود یک زلزله سیاسی بود. داستان مداخله روسیه عملاً از یادها رفت. چه جانسون بعداً گفت: «انتظار داشتم قضیه روسیه و اکسس‌های بسیار زیادی را به همراه داشته باشد و در طول روزهای آتی رسانه‌ها سوالات بیشتری را در این زمینه مطرح کنند. اما رسانه‌های خبری از آن چشم پوشیدند و تماماً به قضیه ترامپ و طمع و سسکس و اینها پرداختند.» ترامپ با صدور بیانیه‌ای کوتاه به واشنگتن پست اعلام کرد: «این یک گفت‌وگوی رخت کنی خصوصی بود که سال‌ها قبل اتفاق افتاد. بیل کلیتون در زمین گلف حرف‌هایی بدتر از من زده است. اگر به هر کسی اهانت شده است من عذرخواهی می‌کنم.» گویا ترفندی که حواس‌ها را به سمت اتهامات جنسی ترامپ پرت کرده بود، باعث شد اتهام تقلب به حاشیه رانده شود و اعضای کمپین حالا به دنبال راهی بودند که بتوانند کار دیگری را رقم بزنند و ترامپ را به صندلی کاخ سفید نزدیک کنند. آنها مانند خود رئیس‌جمهور دست به هر کاری می‌زدند تا این صندلی را از دست ندهند.

توجیه‌های پرزیدنت برای بی‌اخلاقی

وودوارد به مصاحبه‌های قبل از انتخابات ترامپ اشاره می‌کند و می‌گوید: «او همواره از اخلاق دم می‌زد که باید می‌زدند تا این صندلی را از دست ندهند.»



باب وودوارد کیست؟

باب وودوارد در کتاب جدیدش ۱۰۰ نفر از نزدیکان و همکاران ترامپ گفت‌وگو کرده است. وودوارد فارغ از هر نگاهی یک انسان تاثیرگذار در امریکاست. رابرت وودوارد معروف به باب وودوارد در سال ۱۹۴۲، از ایلیوی به دنیا آمد و ال ۷۰ ساله است. با کمی جست‌وجو و چرخیدن بالاخره آن چیزی که می‌خواست را به دست آورد و روزنامه‌نگار شد. او عاشق هیجان بود و برای همین همیشه به دنبال این بود که کارش را هیجان‌انگیز کند و بالاخره همین حس هیجان او را به یکی از خبرنگاران معروف آمریکا تبدیل کرد. حدود یک سال بعد از پیوستن او به واشنگتن پست، به همراه همکارش کارل، سرخ‌هایی پیدا کردند که نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در حال انجام جرائم عجیب و غریبی است. آن زمان دوره اول ریاست جمهوری ریچارد نیکسون تمام شده بود و در حال تلاش بود تا دوباره رئیس‌جمهور شود. ستاد انتخاباتی دموکرات‌ها در هتل واترگیت بود. همان زمان در جریان برگزاری انتخابات، تعدادی از مأموران اف‌بی‌آی وارد ساختمان هتل واترگیت شدند و دستگاه‌های شنود کار گذاشته بودند و سپس اسناد و مدارکی را برای اهداف مختلف به سرقت بردند. این اقدام غیرقانونی با پیدا شدن یک نوار توسط یک مأمور حراست هتل به‌طور تصادفی لو رفت و باب و همکارش این اتفاق را رسانه‌ای کردند. خیلی‌ها ابتدا تصور می‌کردند که این قانون شکنی توسط افراد دون‌پایه طراحی و هدایت شده است. اما پس از آنکه نیکسون از تحویل نوارهای ضبط‌شده به کمیته قضایی مجلس نمایندگان ایالت متحده آمریکا خودداری کرد پای نیکسون نیز به میان کشیده شد. کمیته قضایی مجلس نمایندگان در جولای ۱۹۷۴ رسیدگی عمومی به اعلام جرم علیه نیکسون را آغاز کرد و دیوان عالی فدرال نیز حکم کرد که رئیس‌جمهور نوارها را به کمیته قضایی تحویل دهد. در هفته بعد کمیته قضایی مجلس نمایندگان، رای خود را درباره سه فقره جرم ارتکابی توسط نیکسون صادر کرد: سوءاستفاده از قدرت، کار شکنی در امر اجرای عدالت و اهانت به کنگره که در نهایت منجر به استعفای نیکسون می‌شود. اقدامات وودوارد به عنوان یک روزنامه‌نگار تحقیقی نقش مهمی در استعفای سی‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا

در یک رقابت سالم با هم انتخابات را برگزار کنند اما در طول کارزار انتخاباتی بارها و بارها این مسائل زیر پا گذاشته شد. او از مصاحبه ترامپ با رسانه‌ها می‌گوید و تاکید می‌کند: «جولیانی دوبار در مصاحبه با شبکه‌های CNN و NBC گفته بود که به عقیده او ترامپ هرگز سراغ زندگی خصوصی هیلاری و کلیتون نخواهد رفت و به حاشیه‌های آنها اشاره‌ای نخواهد داشت. اما بنی تدارک همه اینها را دیده بود و اعتقاد داشت این ضربه‌ها به کلیتون کار را تمام خواهد کرد. چهار زن از کسانی که ادعا می‌کردند کلیتون آنها را مورد تعرض قرار داده با هیلاری سعی کرده بود در زندگی آنها اختلال ایجاد کند در مناظره حضور داشتند. بنی این موضوع را با ترامپ در میان گذاشت. همه چیز جنجالی می‌شد. این روشی بود که بنی آن را می‌پسندید. ترامپ در طول روز مقالات بریت‌بارت را درباره متهم کنندگان کلیتون در توئیتر منتشر کرد. درست قبل از ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر خبرنگاران به داخل اتاق در هتل فورسینزن سنت لویز سر هدایت شدند؛ همانجایی که ترامپ به همراه آن چهار زن در انتظارشان بودند. زن‌ها با حرارتی زیاد میکروفون را به دست گرفتند. جوانیتا بروبروک گفت: «عمل گرابی از حرف زدن بسیار مهم‌تر است. ممکن است ترامپ سخنان زشتی به زبان آورده باشد ولی بیل کلیتون به من تجاوز و هیلاری کلیتون من را تهدید کرد.» اندرسون کوپر از شبکه CNN که از مجریان مناظره بود، موضوع نوار اکسس هالیوود را به میان کشید و گفت: «این مصداق آزار جنسی است. شما با افتخار گفتید زنان را تحت آزار جنسی قرار داده‌اید، آیا می‌فهمید این یعنی چه؟» ترامپ به حاشیه‌رفت و گفت: «وقتی دنیا جایی است که در آن داعش سرها را قطع می‌کند و جنگ و بدبختی در همه جا دیده می‌شود و این اندازه بدی در سراسر دنیا می‌بینید، بله من از این چیزی که گفتم، شرمسارم. اما این یک صحبت رخت کنی بود. اگر شما به بیل کلیتون نگاه کنید، می‌بینید که عملکرد او به مراتب بدتر بوده است. من حرف زدم و او عمل کرد... در طول تاریخ کسی به اندازه او به زنان توهین نکرده است.» همه این موضوعات را داشته باشید و دقیقاً تا زمانی که ترامپ به ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ رسید. همه این مسائل کم‌وبیش ادامه داشت و بی‌اخلاقی پشت بی‌اخلاقی. «وودوارد در کتابش به این مساله تاکید می‌کند که همین بی‌اخلاقی‌ها باعث ناامیدی مردم از روسای جمهور آمریکا می‌شود و آنها را به جایی می‌رساند که دیگر حرف‌هایشان را باور نکنند.»

ماجرای نامه‌ای که ناپدید شد

شاید یکی از موارد مهمی که در این کتاب به آن اشاره شده است، نداشتن یک قدرت محکم در ترامپ برای اداره امور آمریکا و روابطش با کشورهای دیگر باشد. او به راحتی خشمگین می‌شود و نمی‌تواند خشم خود را کنترل کند. احساسات او مانع از تصمیم‌گیری درست می‌شود و همین مساله باعث شد تا اطرافیان خیلی چیزها را از او پنهان کنند. وودوارد در بخشی از کتاب اشاره‌ای به هشتمین ماه ریاست جمهوری ترامپ می‌کند و می‌نویسد: «در اوایل سپتامبر ۲۰۱۷ در هشتمین ماه ریاست جمهوری ترامپ گری کوئن، رئیس سابق گلدمن ساکس و از مشاوران اقتصادی ارشد رئیس‌جمهور در کاخ سفید به آرمی به سمت میز کار رئیس‌جمهور دفتر وی حرکت کرد. در طول ۲۷ سال کار برای گلدمن ساکس، کوئن با موهایی ریخته و ۶ فوت و ۳ اینچ قد؛ از اعتماد به نفس زیادی برخوردار بود. وی میلیاردها دلار برای مشتریان این کمپانی و میلیون‌ها دلار برای خودش ساخته است. او این اختیار را به خودش داده که هر زمان که خواست وارد دفتر رئیس‌جمهور شود. رئیس‌جمهور نیز با این مساله موافقت کرده بود. روی میز پیش‌نویس یک نامه از طرف رئیس‌جمهور به رئیس‌جمهور که جنوبی قرار داشت که در آن رئیس‌جمهور موافقتنامه تجاری بین آمریکا و کره موسوم به «کوروس» را مخته‌واحه اعلام می‌کرد. کوئن از این موضوع بسیار ناراحت بود. ماه‌ها بود که ترامپ تهدید می‌کرد از این موافقتنامه خارج خواهد شد. این موافقتنامه پایه‌های توافق اقتصادی اتحاد نظامی و از همه مهم‌تر عملیات فوق محرمانه نظامی و ظرفیت‌های اجرایی آنها را پوشش می‌داد. کناره‌گیری از «کوروس» که اهمیت اقتصادی زیادی برای کره جنوبی دارد می‌تواند روابط دو کشور را به‌طور کامل به مخاطره بیندازد. کوئن باور نمی‌کرد رئیس‌جمهور مهم اطلاعات حیاتی را که برای امنیت ملی آمریکا بسیار مهم هستند به مخاطره بیندازد. اما حالا نامه‌ای به تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۷ وجود داشت که می‌توانست باعث بروز فاجعه در امنیت ملی شود و کوئن نگران بود ترامپ در صورت دیدن نامه آن را امضا کند. کوئن پیش‌نویس نامه را از روی میز ترامپ برداشت و آن را در کیف پوشه‌ای رنگ که روی آن عبارت «بایگانی شود» نوشته شده بود، قرار داد. کوئن یک بار به‌طور خصوصی گفته بود: «مساله این نبود که چه کاری برای کشور انجام می‌دهیم. مهم این بود که مانع از آن شویم که او به ضرر کشور کاری انجام بدهد.» این اقدامات به منزله یک کودتای اجرایی در کاخ سفید و اختلال در اراده رئیس‌جمهور آمریکا و اختیارات قانونی او تلقی می‌شد. اما باید این کار انجام می‌گرفت تا ترامپ به ضرر کشور عمل نکند. این بخش از کتاب موید این گزاره است که حتی اطرافیان ترامپ هم او را قبول ندارند و نمی‌توانند پای تصمیم‌هایش بمانند برای همین همه چیز را از او مخفی می‌کنند.

مداخله در سوریه

یکی دیگر از بخش‌های مهم کتاب به جایی برمی‌گردد که در مورد سوریه و نقش ترور بشار اد اشاره دارد. در این بخش وودوارد با تحقیقاتی که انجام داده به جایی می‌رسد که دولت آمریکا در قبال گرفتن پول‌های زیاد از عربستان حاضر است رئیس‌جمهور قانونی یک کشور را ترور کند و فقط و فقط برایشان پول مهم است. او در بخش‌هایی از این فصل می‌نویسد: «ژنرال کلی رئیس‌جمهور را از این موضوع مطلع ساخت که دو مشاور سیاسی او یعنی مک مستر و تیلرسون به شدت در حال رقابت با یکدیگر هستند. موضوع رقابت و تلاش برای مذاکره با عربستان سعودی برای دریافت چهار میلیارد دلار بود. این پول برای هزینه عملیات در سوریه و یک پروژه محرمانه سیا برای کمک به شورشیان سوریه با یک مخفی «تیک» مورد استفاده قرار می‌گرفت. درخواست از دولت‌های خارجی برای تامین هزینه ارتش آمریکا و عملیات سیا در کشورهای خارجی یکی از بزرگ‌ترین اهداف دولت ترامپ بود. آنها اکثر مایل بودند چک‌هایی با مبالغ بالا برای پروژه‌های مختلف در سوریه بکشند به نقل از تیلرسون مک مستر وارد شد و گفت: «من به سراغ هم‌تایم در عربستان می‌روم و مستقیم با آنها وارد مذاکره خواهیم شد.» رئیس‌جمهور عصبانی بود. حتی با وجود اینکه مشکلات زیادی با تیلرسون داشت ولی او تجربه زیادی در معامله با خانواده پادشاهی سعودی طی سال‌ها فعالیت به‌عنوان مدیرعامل اسکون داشت. همچنین تیلرسون می‌دانست که آل سعود قابل اطمینان نیستند و ترامپ هم هرگز به کسانی که در آن طرف میز مذاکره بودند اطمینان نمی‌کرد به همین خاطر با فشار بر آنها سعی می‌کرد بهترین معامله ممکن را انجام دهد. مذاکره با عربستان و پول گرفتن برای حضور در سوریه هم مساله مهمی بود. آنها نمی‌خواستند حضور در سوریه را از دست بدهند و همه چیز را به بشار اسد بسپارند. حتی در ذهن‌شان این می‌چرخید که با همکاری عربستان بشار را از بین ببرند، به خیلی چیزهای دیگر هم فکر می‌کردند.»



داشت. این روزنامه‌نگار و پژوهشگر بعد از این ۱۸ کتاب در مورد روسای جمهور آمریکا نوشت و تقریباً ۱۳ کتاب آن بسیار معروف و پرفروش است.

نویسنده‌ای که برایش مرگ می‌خواستند

باب وودوارد در کتاب ترس، نگاهی ترسناک به داخل کاخ سفید ترامپ می‌اندازد. وودوارد شرحی واقع‌بینانه و مستند از دولت ترامپ ارائه می‌دهد و برای نخستین‌بار واقعیت‌هایی را بیان می‌کند که تاکنون در هیچ‌جا مطرح نشده است. این کتاب که به گفته منتقدان، همچون بختکی بر کاخ سفید این روند سیاه‌چاره‌ای اندیشید.